

نرگس محمدی در سالگرد بمباران هیروشیما جنایت آمریکا و حمله به کشور خودش را تظہیر می‌کند

سقوط نوبل در ناکازاکی

در سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، نرگس محمدی، برنده جایزه صلح نوبل، در کنفرانسی سخنرانی کرد که قرار بود در باره «صلح» باشد. اما این صلح، نه آن صلحی بود که در برابر جنایت‌های قدرت‌های بزرگ مقاومت کند، بلکه صلحی تحریف‌شده بود که به جای محکوم کردن بمب‌افکن‌ها، انگشت اتهام را به سمت مردم ایران نشانه رفت. محمدی به جای آنکه اسرائیل و آمریکارا به خاطر دهم‌ها تهدید هسته‌ای، تحریم، ترور دانشمندان و حمله به زیرساخت‌های ایران محکوم کند، با ادبیاتی که از اتاق فکرهای غربی بیرون آمده، ایران را مسئول همه مشکلات معرفی کرد. این سخنرانی، نه تنها در راستای صلح بود، بلکه به نظر می‌رسید ادامه همان راهبردی است که او در بیانیه جنگ ۱۲ روزه دنبال کرد، یعنی تضعیف حق حاکمیت ایران و مشروعیت‌بخشی به تجاوز خارجی. از سویی، مراسم سالروز بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی باید محفلی برای محکومیت دولتی باشد که این بمباران هسته‌ای را انجام داده است، اما نرگس محمدی به جای محکومیت آمریکا، ایران را محکوم کرد.

سفیدشویی هیروشیما

بمباران هیروشیما در ششمم اوت ۱۹۴۵، با بمب اتمی موسوم به «پسر کوچک» توسط آمریکا، یکی از تاریک‌ترین لحظات تاریخ بشری است. این حمله، همراه با بمباران چند روز بعد ناکازاکی، ده‌ها هزار انسان بی‌گناه را در لحظه کشت‌و‌نسل را با عوارض تشعشعات اتمی گرفتار کرد. هیروشیما و ناکازاکی، نمادقر بانیان بی‌صدای جنایات جنگی هستند. یک صلح‌طلب واقعی در چنین سالگردی باید جاینگاران اصلی، یعنی قدرت‌هایی را که سلاح هسته‌ای دارند، محکوم کند و خواستار خلع سلاح کامل هسته‌ای آن‌ها شود، نه اینکه قربانیان را سرزنش کند یا جنایات را سفیدشویی کند. محمدی در سخنرانی‌اش از فقر، تحریم، انزوا و تهدید جنگ گفت، اما نه به عنوان نتیجه سیاست‌های خصمانه‌ی غرب، بلکه طوری که انگار ایران خودش باعث این مشکلات است. او برنامه هسته‌ای صلح ایران را که بارها با پبندیش‌اش به معاهده‌ای بی‌نتی ثابت شده، «بازی زبانی» و «پوشش برای قدرت‌طلبی» خواند. گویی ایران دنبال جنگ است، نه تلاش برای بقا در جهانی که هر روز محمل طرحی تهدید جدیدی علیه ایران است. او حتی یک کلمه درباره تهدیدات نظامی اسرائیل یا کلاهک‌های هسته‌ای تل‌آویو نگفت، اما خواستار برگزاری فراندنوبومی در ایران تحت نظارت سازمان ملل شد؛ همان سازمانی که در برابر کشتار غزه با حملات به ایران سکوت می‌کند. محمدی ادعا کرد بر نامه هسته‌ای ایران بدون خواست مردم پیش رفته، در حالی که میلیون‌ها ایرانی بارها با تظاهرات و کمپین‌های مجازی از حق اثرزوی هسته‌ای دفاع کرده‌اند.

از تحریم و تهدید بگو

نرگس محمدی ادعا کرد مردم ایران مخالف برنامه هسته‌ای هستند، اما کدام مردم؟ هیچ نظرسنجی یا افکارسنجی‌ای چنین چیزی را نشان نداده است. حتی در اعتراضات گذشته، هیچ‌گاه توقف برنامه هسته‌ای مطالبه مردم نبود. ایرانی‌ها در جنگ ۱۲ روزه و کمپین‌های مختلف نشان دادند که حق خودشان را برای اثرزوی هسته‌ای می‌خواهند و فرق دوست و دشمن را خوب می‌فهمند. اما محمدی، با ادبیاتی که ظاهراً به او دیکته شده، سعی کرد مردم ایران را قربانی برنامه هسته‌ای خودشان نشان دهد، نه قربانی تحریم‌ها و تهدیدات غرب.

صلح واقعی، بدون محکوم کردن ظلم و جنایت ممکن نیست. محمدی اما در سخنرانی‌اش، نه از نسل‌کشی در غزه حرفی زد، نه از بمباران‌های ایران و نه از تجاوز به خاک کشور. او به جای ایستادن کنار مردم ایران، در زمین دشمن بازی کرد. این به صلح‌طلبی است، نه دفاع از حقوق بشر. سخنرانی او در هیروشیما، به جای گرمیداشت قربانیان بمباران اتمی، به تظہیر بمب‌افکن‌ها و مشروعیت‌دادن به تجاوز کمک کرد. امروز مردم ایران می‌دانند چه کسی صدای واقعی آن‌هاست و چه کسی پشت نقاب صلح، برای دشمن لابی می‌کند. نرگس محمدی، با این مواضع، نه شایسته جایزه نوبل است، نه احترام مردم ایران.

نوبل یا اسباب بازی؟

جایزه صلح نوبل که قرار بود نماد مبارزه برای صلح و عدالت باشد، حالا به ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های غربی تبدیل شده. حضور نرگس محمدی در این فضا، با حاشیه‌های زیادی همراه بوده است. در مراسم اهدای جایزه نوبل صلح به او، چهره‌هایی مثل عبدالله مهندی، رهبر گروهک تروریستی کومله و ناهید بهمنی، از حزب تجزیه‌طلب دموکراتیک‌ا‌هواز، دیده شدند. این افراد که سسال‌ها علیه تمامیت ارضی ایران فعالیت کرده‌اند، به دعوت تقی رحمانی، همسر محمدی، در این مراسم حضور داشتند. این اتفاق، نقاب آزادی‌خواهی و ایران‌دوستی را از چهره محمدی کنار زد و نشان داد او در مسیری حرکت می‌کند که به نفع گروه‌های تجزیه‌طلب و پرنادان است. علاوه بر این، دیدار خانواده محمدی با پادشاه سوئد و نامه او به نخست‌وزیر این کشور، حاشیه‌های دیگری به همراه داشت. محمدی در این نامه از محاکمه حمید نوری، زندانی ایرانی در سوئد، حمایت کرد و آن را «شعله امید برای عدالت‌خواهان» خواند. این در حالی است که محاکمه نوری، با پرونده‌سازی سازمان متنفذین و فشارهای این گروه‌تروریستی پیش می‌رود. نوری که نه دیپلمات بود و نه مسئولیت دولتی داشت، در دادگاهی ناعادلانه در سوئد محاکمه شد، جایی که حتی دسترسی خانواده‌اش به او محدود شده و او در یکی از مخوف‌ترین زندان‌های سوئد نگهداری شد. اما در مقابل، محمدی از زندان در ایران توانسته مصاحبه‌هایی با رسانه‌های خارجی مثل شبکه سوئد انجام دهد و نامه‌هایش به راحتی منتشر شود. این وضعیت نشان‌دهنده هماهنگی عجیب محمدی با منافقین و حامیان غربی آن‌هاست.

علیه ایران در جنگ

در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، نرگس محمدی و شیرین عبادی، دو برنده جایزه صلح نوبل، بیانیه‌ای امضا کردند که بدون محکوم کردن تجاوزات اسرائیل به غیرنظامیان ایرانی، خواستار توقف غنی‌سازی اورانیوم و کناره‌گیری دولت ایران شد. این بیانیه، با الحنی به تفاوت به کشتار بیش از هزار ایرانی، از جمله زنان و کودکان، ایران را مقصر اصلی مناقشه نشان داد و عملاً به حملات نظامی اسرائیل مشروعیت بخشید. عبادی حتی دستگیری عوامل موساد در شهرهای مثل تبریز، ارومیه، یزد و کهگیلویه و بویراحمد را «سرکوب سیاسی» خواند و آن‌ها را «مردم» نامید، در حالی که این افراد متهم به جاسوسی و طراحی عملیات خرابکارانه با کشف تسلیحات و پهباد بودند. جایزه صلح نوبل گرچه قرار است پابنداشت صلح باشد، اما در عمل برای مردم ایران معنایی علیه صلح دارد و دو ایرانی که این جایزه را گرفته‌اند، بلندگوی تکرار مواضع خصمانه غرب علیه ایران شده‌اند.

کابینه رژیم صهیونی در سایهٔ مخالفت‌های بین‌المللی، طرح اشغال کامل غزه را تصویب کرد

نسل‌کشی برای اشغال کامل



شود، اما انتقال ساکنان غزه به جزیره‌ای متروکه که پیش از این محل حضور ویتنامی‌ها بوده، این گمانه را تقویت می‌کند که آن‌ها طرح صهیونیست‌ها را تکمیل می‌کنند. نکته دیگر اینکه اندونزی از جمله کشورهایی بود که اعلام کرده بود حاضر است به ۲ هزار نفر از ساکنان غزه پناهندگی بدهد.

نتانیاهو همچنان به دنبال جبران ۱۷ اکتبر

رژیم علاوه بر کلید زدن طرح اشغال کامل غزه، به دنبال الحاق کرانه باختری نیز است. رسانه‌های صهیونیستی می‌گویند اسرائیل به دنبال آن است که تا اکتبر ۲۰۲۵ طرح اخراج ساکنان غزه را محقق کند. تلاش نتانیاهو برای اجرای این طرح با وجود مخالفت‌های جدی که در سرزمین‌های اشغالی اوج گرفته و انتقاد جدی مقامات اروپایی، چند هدف مشخص دارد: نتانیاهو در دو سال گذشته ضربات سختی از محور مقاومت متحمل شد؛ با وجود ادامه حملات و تخریب بخش زیادی از نوار غزه، او نتوانست هدف اصلی یعنی نابودی حماس را محقق کند و همچنان مجبور است برای آزادی اسرا با حماس مذاکره کند. اشغال کامل غزه و کوچاندن اجباری آن‌ها، نتانیاهو را از ادامه طرح شکست‌خورده نابودی حماس راحت می‌کند. نتانیاهو با اخراج ساکنان غزه، خودش را از شکست مقتضحانه عدم نابودی حماس نجات می‌دهد. این اقدام البته می‌تواند به مثابه ابزار فشاری برای گرفتن امتیازات بیشتر از حماس و حتی خلع سلاح آن منجر شود. در فضای سیاسی داخل سرزمین‌های اشغالی نیز به نظر می‌رسد نتانیاهو به دنبال جلب نظر افراطی‌های پهود است تا با تخریب کامل این منطقه، امکان شهرک‌سازی را برای آن‌ها در نوار غزه فراهم کند. نکته‌دیگر اینکه هر آن‌چه این نزاع و ناآرامی‌ها در منطقه و نوار غزه تشدید شود، نتانیاهو بهانه‌ای دارد تا زمان دادگاه را به تعویق بیندازد. نکته اصلی این است که آیا صهیونیست‌ها نهایتاً موفق می‌شوند ساکنان غزه را اجباراً کوچ دهند؟ صهیونیست‌ها حلقه محاصره غذایی در غزه را به این دلیل تگ کردند که فلسطینی‌ها خودشان نوار غزه را ترک کنند و طرح ترامپ اجرا شود، اما با وجود مقاومت چندین‌ماهه آن‌ها بعد است چنین اتفاقی رخ دهد. در نتیجه، صهیونیست‌ها متهم به ارتکاب بزرگ‌ترین نسل‌کشی تاریخ می‌شوند و آن‌ها نیز مجبور می‌شوند برای تحقق این پروژه، در میان مخالفت‌های گسترده بین‌المللی، هزینه‌های زیادی متحمل شوند.

کابینه رژیم صهیونی در سایهٔ مخالفت‌های بین‌المللی، طرح اشغال کامل غزه را تصویب کرد

نسل‌کشی برای اشغال کامل



اشغال غزه یعنی مرگ اسرا و آسیب به ارتش
مخالفت با اشغال کامل غزه تنها به کشورهای اروپایی و سازمان ملل محدود نشد. موج انتقادها به تصویب این طرح در سرزمین‌های اشغالی آن‌قدر بالا بود که کابینه تصویب آن را چند بار به تعویق انداخت. پس از به بن‌بست خوردن مذاکرات آتش‌بس با حماس، نتانیاهو این طرح را جدی‌تر دنبال کرد، اما مقامات ارتش معتقد بودند که این اقدام جان اسرا را به خطر می‌اندازد. مخالفان معتقدند با تصویب این طرح «گروگان‌ها و شمار زیادی از نیروهای ارتش کشته می‌شوند و با یک مشکل جدی لجستیکی روبه‌رو خواهیم شد.» در حالی که نگرانی‌ها برای آزادی اسراد در سرزمین‌های اشغالی جدی است، شبکه ۱۲ رژیم اعلام کرد که ترامپ در حال بررسی امکان اعطای تابعیت آمریکایی به اسرای اسرائیلی است. این اقدام علاوه بر اینکه به آمریکا مشروعیت می‌دهد تا در مذاکرات با حماس به صورت مستقیم ورود کند، عملاً مجوزی صادر می‌کند که آمریکا به بهانه آزادی اسرا وارد درگیری‌ها در نوار غزه شود. نکته مورد توجه در این رابطه این است که رژیم در نزدیک به ۲ سال گذشته نتوانسته هیچ یک از اسرا را در عملیات و تهاجم نظامی آزاد کند و در نهایت نیز مجبور شده که در تبادل، اسرا را تحویل بگیرد. اعطای تابعیت آمریکایی، کمک دوباره ترامپ به نتانیاهو برای مدیریت افکار عمومی در سرزمین اشغالی است؛ ترامپ و نتانیاهو تصور می‌کنند اقدام آن‌ها می‌تواند راه را برای تخلیه کامل غزه فراهم کند.

اندونزی به کمک طرح اشغال غزه خواهد آمد

در کنار اعمال فشارها برای تحقق کوچ اجباری فلسطینی‌ها از نوار غزه، تلاش‌هایی نیز برای اخراج بی‌سروصدای صهیونیست‌ها به بهانه در مان مجروحان در حال وقوع است. روز گذشته سخنگوی رئیس جمهوری اندونزی اعلام کرد آن‌ها یک جزیره خالی از سکنه را به در ۲۰ هزار مجروح فلسطینی اختصاص خواهند داد. گالانگ همان جزیره‌ای است که پیش از این پناهندگان ویتنامی در آن ساکن بودند.

اگرچه دولت اندونزی اعلام کرده که این اقدام یک تخلیه انسانی نیست، اما اعلام آمادگی اندونزی برای استستقرار ۲ هزار ساکن غزه برای در مان، از چند جهت محل تأمل است. نکته اول اینکه اگر مینا کمک به مجروحان یک کشور است، اقدام درست‌تر آن است که به ساکنان آن سرزمین در خاکشان کمک

علاوه بر ناکارآمدی در مدیریت و توزیع آب

تغییرات اقلیمی هم کشورهای ترکیه، افغانستان، عراق و... را دچار تشنگی کرده است

خشکسالی فراتر از مرزها

مصرف‌کرد و از سوی دیگر کاهش بارندگی به این بحران اضافه کرده است. بی‌بی‌سی به نقل از یک پژوهشگر می‌نویسد: «افزایش جمعیت گردشگران در تابستان، مصرف آب را چندبرابر کرده است. آنتالیا با ۲٫۷ میلیون نفر جمعیت، در فصل گردشگری میزبان ۱۴ میلیون نفر است، اما منابع آب برای این حجم جمعیت برنامه‌ریزی نشده‌اند.» دواوکان دوغو ری‌یاوشلی، استاد جغرافیا هم این وضعیت را «فقر آبی» می‌خواند و هشدار می‌دهد: «خشکسالی دیگر یک مشکل موقتی نیست، بلکه به وضعیتی دائمی تبدیل شده است.» او مناطق نیمه‌خشک مانند قونیه و جنوب شرق آتاتولی را به شدت در معرض خطر می‌داند. گزارش بی‌بی‌سی همچنین به فرسودگی زیرساخت‌ها اشاره می‌کند؛ تا ۶۰ درصد آب در مسیر انتقال به دلیل نشت لوله‌ها هدر می‌رود. چاه‌های غیرمجاز و ساخت‌وسازهای بی‌رویه نیز مدیریت آب را دشوار کرده‌اند. یاواشلی تأکید می‌کند که در ا‌حال نه در ساخت سدهای جدید، بلکه در مدیریت هوشمند منابع موجود و حفاظت از جنگل‌ها و تالاب‌هاست.

پایان منابع آب افغانستان تا ۲۰۳۰

گزارش بی‌بی‌سی درباره افغانستان هم روایتی دردناک از زندگی مردم کابل در سایه خشکسالی ارائه می‌دهد. مهدی، پسر ۱۴ ساله‌ای در غرب کابل، هر روز ساعت‌ها در صف آب می‌ایستد تا برای خانواده شش نفره‌اش چند بشکه آب بیاورد. او‌که به دلیل نبود پدر، مسئولیت تأمین آب را بر عهده دارد، به بی‌بی‌سی می‌گوید: «همسایه‌ها به من می‌گویند پسر فقیر. وقتی آب می‌خواهم، می‌گویند خودمان هم آب می‌خریم.» بی‌بی‌سی گزارش می‌دهد که پیش از ۸۰ درصد آب کابل آلوده است و بسیاری از خانواده‌ها تا ۳۰ درصد درآمدهشان را صرف خرید آب می‌کنند. چاه‌های عمیق، حتی آن‌هایی که تا ۲۵ متر حفر شده‌اند یکی پس از دیگری خشک می‌شوند. یونسف هشدار داده که تا سال ۲۰۳۰، کابل ممکن است تمام منابع زیرزمینی‌اش را از دست بدهد. سطح آب زیرزمینی در این شهر ۲۵ تا ۳۰ متر کاهش یافته و در سال گذشته، ۴۴ میلیون مترمکعب بیش از ظرفیت تجدید، برداشت شده است. مادر بزرگ یک خانواده ۱۰ نفره، به بی‌بی‌سی می‌گوید: «وقتی آب داشتیم، باغچه‌مان سبز بود. حالا بدون آب، زندگی ممکن نیست.» طرح انتقال آب از رودخانه پنجشیر که طالبان آن را تنها راه‌حل می‌دانند، به ۱۷۰ میلیون دلار بودجه نیاز دارد، اما تنها ۸٫۷ میلیون دلار تأمین شده است. بی‌بی‌سی هشدار می‌دهد: «بدون اقدام فوری،



زهرا طیبی خبرنگار گروه سیاست

اسرائیل می‌خواهد تمام فلسطینی‌های باقی‌مانده در غزه را به زندانیانی در اردوگاه‌هایی شبیه اردوگاه‌های جنگ جهانی دوم تبدیل کند، بلکه حتی خواهرز و پلیدتر از آن؛ اردوگاهی میان گذرگاه موراگ و فیلالدفیا و سپس آن‌ها را وادار کند که نوار غزه را ترک کنند. غزه به منطقه‌ای ویران تبدیل شده و تقریباً بخش زیادی از آن غیرقابل سکونت است. هم‌زمان، حلقه محاصره غذایی و قحطی اجباری علیه ۲ میلیون ساکن نوار غزه تنگ‌تر شده است. تصویب طرح کامل اشغال غزه روشن کرد که براساس آنچه مصطفی البرغوثی، کارشناس الجزیره گفته، رژیم، غزه را به زندان و ساکنان آن را به زندانیانی تبدیل کرده است که با آن‌ها را راضی به خروج از نوار غزه کند یا بزرگ‌ترین نسل‌کشی معاصر را رقم بزند.

طرح پیشنهادی ترامپ برای اخراج کامل ساکنان نوار غزه با برنامه‌ای ترکیبی پیش می‌رود؛ در حالی که صهیونیست‌ها همچنان به عملیات نظامی در غزه ادامه می‌دهند، تلاش‌هایی نیز برای خارج کردن بی‌سروصدای ساکنان نوار غزه با هدف نابود کردن ملت فلسطین در حال وقوع است. این طرحی است که باز هم قرار است به کمک نتانیاهو بیاید تا او را از شکست عدم نابودی حماس نجات دهد و رضایت ساکنان سرزمین‌های اشغالی را جلب کند.

طرح اشغال غزه در سایه مخالفت‌های بین‌المللی پیش می‌رود

اگرچه وضعیتی که در غزه در حال وقوع است، اثبات می‌کرد که هدف رژیم از حملات گسترده به مناطق مسکونی و تنگ‌تر کردن حلقه محاصره غذایی، کوچاندن اجباری ساکنان غزه است، امروز گذشته کابینه نتانیاهو رسماً اعلام کرد که پیشنهاد او را برای اشغال کامل غزه تصویب کرده است. کمتر از پنج‌ماه پیش بود که رسانه‌های صهیونیستی اعلام کردند کابینه نتانیاهو طرحی را به تصویب رسانده که شامل اشغال کامل غزه، کنترل آن و نقای نظامیان صهیونیست در سایر مناطق است. منابع رژیم همچنین به این موضوع اشاره کردند که کابینه طرحی برای توزیع کمک‌های بشردوستانه دارد به نحوی که این کمک‌ها به دست حماس نرسد. کمی پیش‌تر از اجرای قحطی اجباری در غزه، ترامپ با ادعای اینکه غزه مکانی خطرناک است، از اخراج ساکنان غزه حمایت کرد. هم‌زمان با پیشبرد پروژه اخراج فلسطینی‌ها از نوار غزه با حمایت همه‌جانبه آمریکا، برخی کشورهای اروپایی مخالفت علنی خود با این طرح را با اعلام به رسمیت شناختن ۲ دولتی بیان کردند. کشورهایی مانند فرانسه، کانادا و انگلیس اعلام کردند که تا ماه سپتامبر، فلسطین را به رسمیت خواهند شناخت. پس از اعلام تصویب طرح اشغال کامل غزه، استارمر، نخست‌وزیر انگلیس، تصمیم رژیم برای اشغال کامل غزه را اشتباه خواند و گفت: «تصمیم دولت اسرائیل برای تشدید بیشتر حملات به غزه، اشتباه است و ما از آن‌ها می‌خواهیم که فوراً در این تصمیم تجدید نظر کنند.» وزیر خارجه استرالیا نیز هرگونه کوچ اجباری را نقض صریح قوانین بین‌المللی دانست و گفت: «راهکار ۲ دولتی، تنها مسیر ممکن برای تحقق صلحی پایدار در فلسطین است.» حتی صدراعظم آلمان نیز در واکنش به اشغال کامل غزه، بیانیه‌ای منتشر کرد و در بخشی از آن اعلام داشت که صدور هرگونه تجهیزات نظامی که امکان استفاده از آن در نوار غزه وجود داشته باشد، تا اطلاع ثانوی ممنوع است. فولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل نیز روز گذشته گفت: «این طرح مغایر با حکم دیوان بین‌المللی دادگستری است، مبنی بر اینکه اسرائیل باید هر سریع‌تر، به اشغال خود پایان داده، به تحقق راهکار ۲ دولتی و حق فلسطینیان برای تعیین سرنوشت خود کمک کند.»



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

حفر بی‌رویه چاه‌ها، توزیع ناعادلانه منابع آبی، احداث صنایع پر مصرف در مناطق کویری و کشاورزی غیراصولی، تنها بخشی از نتایج سیاست‌گذاری‌های نادرست و بی‌توجهی به ملاحظات آبی است. هرچند حکمرانی ضعیف آبی و سوء مدیریت داخلی نقش اصلی را در این بحران ایفا می‌کنند، اما نمی‌توان از بعد اقلیمی و تأثیرات آن در شکل‌گیری این وضعیت غافل شد.

گزارش‌های بی‌بی‌سی درباره بحران آب در ترکیه و افغانستان و تحلیل‌های میدل‌ایست‌نیوز از وضعیت عراق، همچنین اقدام رژیم اسرائیل در صدور فرمان خشکسالی ـ با وجود ادعای تخصص در مدیریت آب ـ همگی نشان می‌دهد که بحران آب در خاورمیانه به یک پرونده اقلیمی تبدیل شده است؛ پرونده‌ای که نه تنها ریشه در ناکارآمدی‌های مدیریتی دارد، بلکه بسا منازعات مرزی، کنترل منابع آبی و تغییرات اقلیمی نیز گره خورده است. در چنین شرایطی، الگوهای بارندگی در خاورمیانه و برخی مناطق دیگر دنیا، دست‌خوش تغییرات جدی شده و پدیده‌هایی مانند کاهش سطح فنره‌های آب زیرزمینی، خشک‌شدن تالاب‌ها و مهاجرت‌های ناشی از کم‌آبی شکل گرفته‌اند.

فقرآبی در ترکیه

گزارش پنج‌روز پیش بی‌بی‌سی درباره ترکیه تصویری تکان‌دهنده از بحران آب در شهرهایی مانند آز میر، آنتالیا و موغله ارائه می‌دهد. یکی از ساکنان محله پنی فوجا در آز میر، می‌گوید: «دو هفته است که حتی یک قطره آب از شیرها نمی‌آید. صبح‌ها صورتمان را در دریا می‌شویم. طرف‌ها نشسته ماندند و نمی‌توانیم دوش بگیریم.» او که از سال ۱۹۸۴ در این منطقه زندگی می‌کند، می‌گوید که هرگز چنین کم‌آبی شدید ندیده است. مخازن آب خانگی که زمانی برای قطعی‌های موقت کافی بودند، حالا خالی‌اند و مردم مجبورند آب بطری بخرند. این وضعیت به‌ویژه برای خانواده‌های پرجمعیت یا دارای بیمار، طاقت‌فرسا شده است. بی‌بی‌سی گزارش می‌دهد که سدهای ترکیه، به‌ویژه در مناطق گردشگری مانند آژه و مدیترانه، به‌ویز ۲۰ درصد ظرفیت خود رسیده‌اند. برای مثال، سد تاهتالی در ژوئیه ۲۰۲۵ به زیر ۱۰ درصد ظرفیت سقوط کرد. آتش‌سوزی‌های اخیر در فوجا بخش مهمی از آب سدها را برای اطفای

^[1] در حالی که نگرانی‌ها برای آزادی اسرا در سرزمین‌های اشغالی جدی است، شبکه ۱۲ رژیم اعلام کرد که ترامپ در حال بررسی امکان اعطای تابعیت آمریکایی به اسرای اسرائیلی است